

سوزنی در انبارگاه

محمدرضا طاهری، سرفه های گرامافون/ص77

پرنده ای که به این سینه راه پیدا کرد
غم تو بود که در من پناه پیدا کرد

دلم اگرچه نجیبانه صبر پیش گرفت
به خلوتِ تو سرانجام راه پیدا کرد

دلم که کاشف پنهان ترین حقیقت هاست
درون سینه ی سنگ تو آه پیدا کرد

نشان عشق و وفادرتومثل سوزن بود

که درمیانه ی انبارگاه پیدا کرد

*

خدا ز شوخی آدم هنوز در عجب است
که در بهشت برین هم گناه پیدا کرد